

«اوراد نیمروز» نفس من را گرفت



ورزش

پای داوری و VAR وسط کشیده شد

دربی مجازی داغ تر از دربی واقعی!

از نگاه کاربران AFC

حامد لک

بهترین دروازه بان آسیا شد



فرمان یحیی به بازیکنان پرسپولیس

فوتبال مالکانه می خواهیم



پیشنهاد کابینه تمام فوتبالی برای انتخابات

حمله زوج مهدوی کیا - کریمی به کرسی ریاست فدراسیون

شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۹
شماره ۹۱ رانومه ۱۳۴۲
سال سی و چهارم شماره ۹۳۸
ZENDEGI@QUONONLINE.IR

سواد رسانه

ماله کشیدن رسانه‌های غربی روی اقتصاد آمریکایی

آمریکای هالیوودی تمام شد



حالا تحلیل رفتار آمریکایی‌هایی که رخدادهای حیرت‌آور چند روز گذشته را رقم زدند به کنار، به تفسیر و تحلیل سیاسی ماجرا و اینکه بی‌تعارف همه چیز آمریکا رو به افول است کاری نداریم. نکته جالب در این میان نوع برخورد رسانه‌های غربی با این ماجراست. «علیرضا داودی» تحلیلگر ارشد مسائل رسانه در این باره به فارس گفته است:

«ما چهار نوع رفتار را از سمت رسانه‌های غربی مشاهده کردیم. نوع رفتار اول عدم پوشش لحظه به لحظه این رویداد بود؛ به این معنا که اگر اتفاقی در ایران یا حوزه محور مقاومت و کشورهای همسوی ایران رخ دهد، اتفاقات را نقطه به نقطه نشان می‌دهند. این نوع از خبررسانی، میزان و ضریب خطا و برداشت مخاطب را بالا می‌برد و هم به رسانه‌ها کمک می‌کند که موضوع‌های انحرافی و موضوع‌های غیرواقع را به عنوان تحلیل آن نقطه در اختیار مخاطب قرار دهند، چون همه توجه مخاطب شما به جزئیات مسائل جلب می‌شود در حالی که معمولاً در رویدادها باید از یک پله بالاتر نگاه کنیم تا بتوانیم جزئیات و چگونگی شکل‌گیری‌شان را درست درک کنیم. در بسیاری از سال‌هایی که رویدادهایی در ایران رخ داد، این رسانه‌های آمریکایی واقعه را متصل به هم از زمان شروع تا زمان پایانش روی قاب تلویزیون داشتند اما جالب بود که در این واقعه که منتسب به خودشان بود، این نقاط را منفصل از هم نشان می‌دادند و طوری وانمود می‌کردند که انگار یک اتفاق ساده و پیش پا افتاده‌ای در آمریکا رخ داده است. در واکنش دوم وقتی دیدند حجم واقعه آن‌قدر زیاد است، آمدند و فاصله بین نقاط را با تحلیل‌های خودشان و برنامه‌های میانی پُر کردند. سی‌ان‌ان تا دقایقی بعد از اینکه مردم وارد کنگره آمریکا شده بودند درباره محورهای صحبت‌های ترامپ درباره تجمعی که شکل گرفته بود صحبت می‌کرد. بی‌بی‌سی فارسی برنامه مختص شکل‌گیری گروه موسیقی سنتی و شبکه دیگرشان هم داشت آشپزی پخش می‌کرد و بین این برنامه‌ها گریزی به ماجرای کنگره هم می‌زدند!

مدل و رفتار سومی که این رسانه‌ها از خود بروز دادند این بود که آمدند و جهت‌گیری کردند. این جهت‌گیری از اینجا به بعد فضا را متفاوت کرد، چون دیدند نمی‌توانند پوشش خبری را به این سبک ادامه و ماجرا را منفصل نشان دهند و نمی‌توانند فواصل بین این اتفاق‌ها را با برنامه‌های بی ربط پر کنند. مدل سوم می‌شود جهت‌گیری، سوگیری و سمت‌گیری و تحلیلی که به شمای مخاطب می‌دهند. یعنی شمای مخاطب دارید واقعه را می‌بینید اما از دریچه تحلیلی که این‌ها می‌خواستند ارائه دهند.

آن‌ها روز گذشته همه مسائل آمریکا را در ترامپ خلاصه کردند. صدای آمریکا، من و تو، بی بی سی فارسی، ایران اینترنشنال، رادیو فردا، سی ان ان، الجزیره، العربیه و سایر رسانه‌ها همگی به این سمت رفتند که این تحلیل را ارائه دهند. از اینجا به بعد دیدیم همه درباره روایتی که در آمریکا رخ می‌دهد موضوعاتی را پنهان می‌کنند. مثلاً اینکه این اتفاق نتیجه ناکارآمدی سیستم در آمریکاست، اگر چنین اتفاقی در ایران رخ داده بود این مردم بودند که به خیابان‌ها ریخته بودند اما در آمریکا شدند شورش، ارادل، اوباش و همه این‌هایی که می‌توانستند قلمداد کنند.

نکته بعدی اینکه یکجای دوگانه ظالم و مظلوم، محق و غیرمحق را پیاده کردند که بایند بشود مظلوم و اینکه بگویند همه فرایندهای آمریکا مثبت است و فقط آزادی‌هاست که سیستم را به این شکل درآورده است. رفتار چهارمی که رسانه‌ها از خود بروز دادند، وانمود کردن این نکته بود که نقطه کانونی اعتراض‌ها در دنیا نه به سیستم آمریکایی نه به مکتب آمریکایی بلکه به ترامپ است. اروپایی‌ها و بسیاری از کشورهای دیگر شروع کردند و به ترامپ تاخندند که تو کوتاه بیا و بی خیال شو. رسانه‌ها آمدند و می‌خواستند این را به یک معضل جهانی تبدیل کنند در حالی که یک معضل آمریکایی بود. کنترل کردن یک نفر برای رسانه‌ها بسیار راحت‌تر بود. دلیل بسیار جدی وجود دارد. تا قبل از دیروز تصویری از آمریکای هالیوودی در ذهن همه بود و دیروز آمریکای واقعی شد. بزرگ‌ترین شکستی که رسانه‌ها احساس کردند دارد آمریکا را دربرمی‌گیرد و بزرگ‌ترین رسالتی که برای خودشان مدنظر داشتند این بود که نگذارند آمریکای هالیوودی از هم بشکند که دیروز باشید. شما تصاویر را نگاه کنید، تصاویری که واقعیت آمریکاست، ما در این اتفاق شاهد فروپاشی آمریکا نیستیم بلکه شاهد تمام شدگی آمریکا هستیم، ما شاهد تمام شدن مدل آمریکایی هستیم.»



دانشمندان درباره مواد غذایی امروزی چه می‌گویند؟

دردسره‌های غذا خوردن



محمد تربت‌زاده | این روزها نه فقط مسن‌ترها و قدیمی‌ها، بلکه جوان‌ها هم دنبال محصولات ارگانیک می‌گردند، چون احساس می‌کنند محصولات طبیعی به مراتب سالم‌تر از تولیدات فرآوری شده هستند. به همین خاطر هم هست که در باشگاه‌های ورزشی، اعتماد به پروتئین‌ها و پودرهای انرژی‌زا تا حد زیادی از بین رفته و بسیاری از ورزشکاران سعی می‌کنند با تخم‌مرغ، گوشت‌مرغ، کره بادام‌زمینی و... پروتئین موردنیاز بدنشان را تأمین کنند. آن‌هایی هم که اهل ورزش کردن نیستند، روغن‌های طبیعی حیوانی را جایگزین روغن‌های فرآوری شده بازاری کرده‌اند. جالب است اما بدانید که بر اساس گزارش ترجمان طبق گفته دانشمندان، این تصورات همیشه درست نیست و نتایج پژوهش‌های علمی نشان می‌دهند غذاهای فرآوری شده هم می‌توانند برای انسان مفید باشند.

علمی برای خوشمزه‌تر بودن رب خانگی وجود ندارد! به عنوان مثال زمانی که شما در تخته‌خوابتان یک گوجه فرنگی را گاز می‌زنید، ممکن است زیاد از طعم آن لذت نبرید اما اگر همان گوجه را خودتان از بوته جدا کرده و در آب چشمه بشویید، طعمش برایتان هزار برابر لذت‌بخش‌تر می‌شود.

❖ هر چه طبیعی‌تر زندگی کنیم سالم‌تریم؟
عقیده رایج دیگری که خیلی‌ها ایمان بر مبنای آن زندگی می‌کنیم آن است که هر چه طبیعی‌تر زندگی کنیم، سالم‌تر خواهیم بود و اگر هم بیمار شدیم، داروی‌های طبیعی کم‌خطرترین راه درمانند. در مقابل، قرص‌ها و آمپول‌هایی که نمی‌دانیم چطور ساخته شده‌اند و دکترهایی که اصطلاحات و حرف‌هایشان را نمی‌فهمیم خطرناک‌اند. موضوعی که متخصصان نامش را «خدانگاری طبیعت» می‌گذارند. آن‌ها می‌گویند این نوع نگاه در نهایت موجب ایجاد حساسیت منفی شود، دربرابر هرگونه راهکار «غیرطبیعی» می‌شود، حتی وقتی این راهکارها در راستای نجات جهان طبیعت مطرح شده باشند. نوآورهایی مثل گوشت آزمایشگاهی، محصولات کشاورزی تراریخته، طرح زندگی در شهر فشرده، انرژی هسته‌ای؛ همه این‌ها بالقوه می‌توانند در حفاظت زیست‌محیط مؤثر و مفید باشند، البته بسیاری از طرفداران زندگی طبیعی براساس واکنش احساسی خود، این ایده‌ها را غیرعملی می‌دانند.

❖ حرف آخر
آخر مطلب این را هم بگوییم که در محاصره اخبار و یافته‌های گاه ضد و نقیض علمی در باره محصولات ارگانیک و غیرارگانیک نباید اسیر تبلیغات کاذب آن‌هایی که همه جور مواد خوراکی را به جای ارگانیک به شما قالب می‌کنند بشوید. ارگانیک‌ها وجود دارند و امکان تولید آن‌ها هم هست اما معنی‌اش این نیست که همه آن‌ها بی‌خطرند. ارگانیک‌ها به روش‌های علمی و بی‌خطر می‌کنند و واقعاً بی‌ضرر است و همه محصولات غذایی امروزی که برچسب و نام ارگانیک را ندارند، حتماً برای سلامتی شما ضرر دارند.

❖ ۲۰ هزار سال پیش
وقتی می‌گوییم فرآوری شده، منظورمان هله‌هله‌های امروزی نیست. اجازه دهید برگردیم به کمی عقب‌تر، چیزی در حدود ۲۰ هزار سال پیش، یعنی زمانی که نیاکان ما گوشت را اغلب به شکل نپخته مصرف می‌کردند و مغز گیاهان مانند

چه خبر؟

«خورشید» نهمین بخت دریافت اسکار



با همه فراز و نشیب‌ها، «خورشید» مجیدی مدتی پیش به عنوان نماینده ایران در اسکار انتخاب شد. اگرچه قرار بود مراسم اسکار در اسفندماه برگزار شود اما کرونا آن را حدود دوماه به تعویق انداخت و براساس آخرین اخبار، این رویداد سینمایی قرار است در اردیبهشت‌ماه برگزار شود. نشریه «ورایتی» چند ماه مانده به مراسم اسکار، با انتشار فهرستی از فیلم‌هایی که از بیشترین شانس برای دریافت جایزه اسکار بین‌المللی ۲۰۲۱ برخوردارند فیلم «دور دیگر» از دانمارک را در ردیف اول جای داد و برای «خورشید» نیز جایگاه نهم را قائل شد. منتقدان روایتی پیش از این «خورشید» را در ردیف ۱۰ فیلم دوم از نظر داشتن شانس برای گلدن گلوب جای داده بودند.

۱. «دور دیگر» ساخته توماس وینتربرگ از دانمارک / این کشور ۱۲ بار نامزدی اسکار را کسب کرده، سه بار آن را برده و تاکنون ۵۷ فیلم به اسکار معرفی کرده است.
۲. «من دیگر اینجا نخواهم بود» ساخته فرناندو فریاس از مکزیک.
۳. «دو نفر از ما» ساخته فیلیپ منگتی از فرانسه / این کشور تاکنون ۴۰ بار نامزدی اسکار را کسب کرده، ۱۲ بار جایزه اسکار را برده و ۶۶ بار در رقابت اسکار حضور داشته است.
۴. «خواهر کوچک من» ساخته استفانی چوآت و ورونیک ریموند از سوئیس / این کشور پنج بار نامزد اسکار شده، دو بار این جایزه را برده و ۴۷ فیلم به اسکار معرفی کرده است.
۵. «شب پادشاهان» ساخته فیلیپ لاکوته از ساحل عاج.
۶. «فقای عزیز» ساخته آن دری کونچالفسکی از روسیه / این کشور هفت بار نامزدی اسکار را کسب کرده و یک بار برده است. در مجموع روسیه ۲۷ بار در این رویداد حضور داشته است.
۷. «کجا بودی آیدا؟» ساخته جاسمیلایا زبانیکی از بوسنی و هرزگوین / این کشور یک بار نامزد اسکار شده، یک بار جایزه برده و تاکنون ۱۹ بار در این رقابت شرکت کرده است.
۸. «یک خورشید» ساخته چانگ مونگ-هونگ از تایوان.
۹. «خورشید» ساخته مجیدی مجیدی از ایران / با سه بار نامزدی اسکار، دو بار برده جایزه و معرفی ۲۵ فیلم به اسکار.
۱۰. «شارلاتان» ساخته آگنسکا هالند از جمهوری چک / این کشور سه بار نامزدی اسکار را کسب کرده، یک بار این جایزه را برده و تاکنون ۲۶ بار فیلمی به اسکار معرفی کرده است.



درباره بخش «نقد ادبی»

سیزدهمین جایزه ادبی جلال

سیزدهمین جایزه ادبی جلال آل احمد در تاریخ دوشنبه ۱۵ دی ماه به دلیل شیوع گسترده بیماری کرونا در قالب برنامه «شب روایت» از سری برنامه‌های شب‌های هنر شبکه چهار که به کتاب و کتاب‌خوانی اختصاص دارد، به صورت بسیار محدود برگزار شد. واگیری بیماری کرونا در عمل موجب شد تا شیوه برگزاری مراسم اختتامیه تغییر کند. در این ارتباط برخی منتقدان ماجرای صرف هزینه‌ها را پیش کشیده‌اند تا شاید روزنه‌ای برای حاشیه‌سازی ایجاد شود. در چنین اوضاع و احوالی اگر دست‌اندرکاران جشنواره مراسمی را طبق سال‌های گذشته به راه می‌انداختند باز هم مورد هجمه قرار می‌گرفتند که چرا در این ایام مراسم برگزار می‌شود.بی‌شک برپایی مراسم در یک شبکه تلویزیونی به مراتب بهتر از برگزاری آنلاین در شبکه‌های مجازی بود که مشخص نبود بیننده دارد یا خیر. در این مراسم محسن جوادی؛ معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرتضی اراضی‌جلالی؛ دبیر اجرایی و ابراهیم حسن‌بیگی؛ دبیر علمی جایزه جلال آل‌احمد، حاضران این برنامه بودند. گمان می‌رود سیزدهمین جایزه جلال با نقش‌آفرینی دبیر اجرایی؛ مرتضی اراضی‌جلالی و دبیرعلمی؛ ابراهیم حسن‌بیگی، روند طبیعی و قانونی خود را به خوبی طی کرده است و در بخش‌های مختلف داوری هیچ گونه اما و اگر و شائبه‌ای وجود نیامده است. تنها در بخش ویژه این جشنواره ادبی که به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع‌مقدس برگزار شد، پرسش‌ها و انتقادهایی مطرح است. پژوهش و نقد ادبی تأثیر بسیار زیادی در روند شکل‌گیری ادبیات دفاع‌مقدس دارد که متأسفانه و در کمال ناباوری نادیده انگاشته شده است. توجه به این مسئله ضروری است که در هر جشنواره‌ای به هر حال حواشی ایجاد می‌شود و نمی‌توان توقع داشت یک جایزه بی‌نقص و عاری از اشتباه باشد. در نهایت در بخش‌های اصلی جایزه جلال هیچ نقص ماجرابی وجود ندارد، خاصه در بخش «نقد ادبی» که اینجانب مستقیماً در روند داوری آن حضور داشته‌ام. در بخش نقد ادبی، هیئت داوران متشکل از حمیدرضا شمیری، محمدرضا سنگری و کامران پارسی‌نژاد، به داوری ۷۶ عنوان کتاب ارسالی به دبیرخانه، اقدام ورزیدند. قابل ذکر است در میان آثار ارسال شده، داوران به آثار قابل تمق و ارزشمند بسیاری برخورد کردند. این نشان می‌دهد با وجود تمام مشکلات و مصائبی که درباره خلق آثار نقد و پژوهش در ایران وجود دارد و دست‌های دولتی این وادی را مورد لطف و عنایت خود قرار نداده و نمی‌دهند، آثار شاخص و ارزشمندی تولید شده است. در تمام دنیا به نقش محوری و تأثیرگذار پژوهش و نقد به عنوان جریان تأثیرگذار اشراق دارنده، متأسفانه در ایران هیچ حرکتی در راستای حمایت و ارزش‌گذاری در این حوزه نشده است. روند داوری انتخاب پنج نامزد کار بسیار سختی بود، چون آثار ارزشمند خلق شده بی‌شمار بودند و انتخاب نامزدها یا برگزاری جلسات عدیده‌ای صورت گرفت. در نهایت، اسطوره‌کاوی عشق در فرهنگ ایرانی نوشته بهمن نامورمطلق (انتشارات سخن)، تاریخ بدن در ادبیات نوشته سیدمهدی زرقانی (زهرا آقابابایی خوزانی، امید ایرانلو، فاطمه جهانپور، حمید خادمی، محسن شرفایی و فرزانه فرخ‌فر)، (انتشارات سخن)؛ حماسه مسیب‌نامه به تصحیح و تحقیق میلاد جعفرپور(انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن)؛ روایت‌شناسی درام نوشته پرستو محبی (نشر جام زرین) و فلسفه داستان نوشته احمد شاکری (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) به عنوان نامزدهای جایزه شناخته شده‌اند. در نهایت کتاب کم‌نقص و ارزشمند«تاریخ بدن در ادبیات» به قلم سیدمهدی زرقانی (با همکاری: زهرا آقابابایی خوزانی، امید ایرانلو، فاطمه جهانپور، حمیدخادمی، محسن شرفایی و فرزانه فرخ‌فر) از نشر سخن شایسته تقدیر شناخته شد. بدیع بودن موضوع، انسجام در ساختار، رعایت اصول و قوانین نگارش نقد، داشتن ارجاع‌های دقیق و مهم...از جمله ویژگی‌هایی است که موجب شد این اثر شایسته تقدیر شناخته بشود. نکته قابل تمق، حضور تعدادی پژوهشگر و منتقد در خلق این اثر است. متأسفانه روحیه جمع‌گرایی در این حوزه کمتر دیده می‌شود و هر منتقدی ترجیح می‌دهد منفرد عمل کند، در حالی که در دنیای ادبیات در غرب رسم بر این است که کارهای پژوهشی گروهی انجام شود.

هنرهای تجسمی

نمایش ۱۴ نقاشی

درباره «آل علی علیه‌السلام»

نمایشگاه «آل علی علیه‌السلام» با نمایش آثار نقاشی حسن روح‌الامین در فرهنگسرای نیاوران در حال برگزاری است. در این نمایشگاه آثاری چون «معرکه آب»، «اصحاب کساء»، «دیر راهب»، «ابد والله» و «معرج» به نمایش گذاشته می‌شوند. به گزارش ایسنا، نمایش و فروش آثار نمایشگاه «آل علی علیه‌السلام» تا ۲۵ دی ادامه خواهد داشت. نمایشگاه در روزهای پس از افتتاحیه از ساعت ۱۰ الی ۲۰ و روزهای تعطیل ۱۴ الی ۲۰ برای بازدید عموم برقرار است. علاقه‌مندان می‌توانند به مدت (روز برای بازدید از این نمایشگاه) با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به فرهنگسرای نیاوران واقع در انتهای خیابان پاسداران، مقابل پارک نیاوران مراجعه کنند.

ا جواد شیخ‌الاسلامی | منصور علیمرادی، شاعر، نویسنده و پژوهشگر فرهنگ‌عامه با رمان «تاریک‌ماه» که برایش جایزه بهترین رمان سال «هفت‌اقلیم» را به ارمغان آورد، خود را به عنوان نویسنده‌ای جدی معرفی کرد؛ نویسنده‌ای که حرف‌های تازه‌ای برای ادبیات‌داستانی ما با خود به همراه آورده است.

مجموعه داستان «زبپای هلیل»، «نام دیگرش یاد است سینپور» و دو رمان «شب جاهلان» و «ساندویچ برای حیدر نعمت‌زاده» از دیگر کارهای داستانی اوست. به تازگی «اوراد نیمروز» که توسط نشر«نیماز» منتشر شده، آخرین اثر این نویسنده در بخش رمان جایزه جلال عنوان شایسته تقدیر را بدست آورده است. اغلب داستان‌های این نویسنده متأثر از پژوهش‌های او در فرهنگ‌عامه، حال و هوای بومی دارند. علیمرادی اعتقاد دارد تا زمانی که نویسنده در فضای بوم نفس نکشد و زندگی نکند، نمی‌تواند از آن حال و هوا بنویسد و راوی جان و جهان مردمان سرزمین خود باشد. پس عجیب نیست اگر بدانیم او برای نوشتن رمان «اوراد نیمروز» چندین سال از خراسان تا سیستان، آواره کویرهای ایران بوده است.

گفت‌وگوی ما را با منصور علیمرادی درباره «اوراد نیمروز»، دغدغه‌ها و جهان داستانی‌اش بخوانید.

♦ دومین رمان جدی شما هم مورد توجه اهالی ادبیات قرار گرفته است. درباره رمان «اوراد نیمروز» توضیح می‌دهید؟

من برای نوشتن این اثر دو سال و نیم زمان گذاشتم و سخت کار کردم. همین‌طور که می‌دانید تا به حال ۱۸ کتاب نوشته‌ام. از کتاب‌های پژوهشی گرفته تا ادبی، با خیلی از این کتاب‌ها جایزه گرفته‌ام و کارم دیده شده است، ولی این کتاب برایم ارزش دیگری دارد و خیلی مهم است. کتاب‌های پیشین تا این اندازه وقت من را نگرفته بودند، اما در «اوراد نیمروز» بیش از دو سال فقط درگیر نوشتن بودم. می‌خواستم زبان داستان، زبانی ایرانی باشد و داستانی ایرانی بنویسم. خوشحالم که این کتاب و تلاش‌ها دیده شد و افتخاری برای من است که توسط جایزه جلال دیده شدم و مورد قدردانی قرار گرفتم.

♦ کویر در «اوراد نیمروز» راوی اصلی است و کارکردی نمایان دارد و کلاً در رمان از نماد و استعاره استفاده‌های زیادی کرده‌اید. برای شما نماد چه نقشی در پیشبرد داستان داشته است؟

می‌توانم بگویم پشت همه سطرها و پاراگراف‌های این رمان، مفاهیمی مستتر است . بسیاری از جملات، موقعیت‌ها، پاراگراف‌ها به غیر از کارکردی که در بافتار روایت دارند، نسبت‌هایی با متن‌ها و جهان‌های خارج از متن برقرار می‌کنند. در «اوراد نیمروز» نماد و اسطوره نقش پررنگی دارند که همه این‌ها می‌خواهند به حوزه‌های زیبایی‌شناسی و اندیشه اثر عمق بدهند.

گفت‌وگو با منصور علیمرادی که در بخش رمان سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال از او تقدیر شد

«اوراد نیمروز» نفس من را گرفت



برشی از رمان «اوراد نیمروز»

«کتیبه به خط کوفی بود، سخت‌خوان و البته در گذر روزگار بسیاری از حروف برجستگی خود را از دست داده بودند. بعضی از کلمات به کلی از بین رفته بودند. به غیر از نام متوفی در شروع نوشته که هنوز به طور کامل خوانا بود، مابقی متن را باید یک کارشناس خبره خط می‌خواند. صدحیف که باتری گوشی شارژ نداشت. می‌دانست که دیگر هیچ‌گاه به آن اقلیم پا نخواهد گذاشت. عین هیرمند زندگی‌اش داشت مسیر عوض می‌کرد. دل می‌کند از بسیاری چیزها که در گذشته بر آن‌ها سخت عاشق بود. می‌خواست به خانه‌اش برگردد، به دامان خانواده‌اش، به زادگاهش

و پشت به تاریخ مسیر زندگی را ادامه دهد. دیگر هیچ‌گاه، هرگز هیچ‌گاه، به آن حدود برنمی‌گشت. به این سرزمین سخت، به این سدوم سوخته لم‌یزرع که سال‌های سال ذهنش را درگیر کرده بود و در نهایت این شیدایی او را تا مرز مرگ پیش برده بود. در سایه این دیواره تراش‌خورده جنازه آن ملیک نگون‌یخت برای ابد خفته بود. کسی که روزگاری ۳۰هزار سوار سیستانی ملازم رکابش بودند و مثل هیرمند که به دور کوه خواجه حلقه می‌شد، طوفاش می‌کردند. امروز تنها و بی‌کس در سینه کوهی کبود در پرت‌ترین جای جهان زیر خروارهای خاک از یاد رفته بود.»

♦ شخصیت اصلی داستان شما زبانی طنز دارد که با ترکیب زبان کلاسیک و امروزی، به یک طنز فاخر دست می‌یابد، چرا این زبان ادامه پیدا نکرده است؟ طنز کمابیش در همه نوشته‌های من به وقت خودش به طور ناگهانی بروز می‌کند و سروکله‌اش پیدا می‌شود. در «اوراد نیمروز» طنز به پاگرد در یک راه‌پله نقسگری می‌ماند به‌خصوص جاهایی که در ظل گرمای توانگیر بهمن سرگردان کویر است، طنز ناگهان به مدد متن می‌آید و روایت با ریتم جان می‌گیرد. می‌گویند طنز و تراژدی دو روی یک سکه هستند. خود من با آن صحنه شب سوگرد خ خیلی خندیدم، هر چند طنزی تلخ و فلسفی است. با همه زیبایی و نشاطی که این زبان داشت، اگر بنا بر این بود و شالوده رمان بر این نمط چیده می‌شد، رمان شکل نمی‌گرفت.



گرفت؛ از درگیری‌های زبانی بگیرد تا جلو بردن مسیر اصلی رمان. نوشتن این رمان برای من بسیار سخت بود و گاهی روحم به فرسایش می‌رفت، اما از نتیجه کار راضی هستم و فراتر از نظر منتقدان که البته کتاب بین اهل تشکیک و اهل ادبیات خیلی مورد توجه قرار گرفته است. خودم از آنچه نوشته‌ام، راضی هستم و خوشبختانه چیزهایی که می‌خواستم در اثر شکل گرفتند.

گفته‌های چاوشی از «این عشق هیولایی»



محسن چاوشی که پس از انتشار آخرین آلبوم خود «بی‌نام» در سکوتی طولانی به سر می‌برد، پس از مدت‌ها به حرف آمد و از تفکرات و دغدغه‌هایش در کتاب «این عشق هیولایی» پرده برداشت.

این خواننده درباره مفاهیم و محتوای کتاب شعرش نیز خطاب به مخاطبانش گفت: «مخاطب همه شعرهای کتابم یک نفر است. من از عشق نوشتم و خواستم شما هم «عشق» را بخوانید.»

خواننده آلبوم «بی‌نام» درباره استقبال از کتاب شعر خود در مرحله پیش‌فروش اثر نیز معتقد است:«عده‌ها و رکوردها دیگر سال‌هاست که دغدغه من نیست. هنرمند یک مسئولیت اجتماعی و فرهنگی دارد و آن هم خوراک ذهنی و فکری دادن به مردم و مخاطبش است. همیشه سعی کرده‌ام به مخاطب احترام بگذارم و به داشته‌هایش بیفزایم. اینکه همراهانی تا این حد فرهیخته و متفکر دارم، برای من ارزشی غیرقابل وصف دارد و امیدوارم بتوانم مثل گذشته همپا و همراه با آن‌ها پیش بروم.»

گفتنی است:«نسرین بابایی» مدیر انتشارات آفتاب اندیشه که وظیفه نشر کتاب شعر چاوشی را بر عهده دارد، درباره روند انتشار این کتاب گفت: «استقبال خوبی را شاهد بودیم و امیدوارم میزبان خوبی برای مخاطبان آقای چاوشی باشیم.» وی درباره نبود نسخه فیزیکی کتاب نیز گفت: «فعلاً آقای چاوشی تصمیم دارند از طریق فروش اینترنتی کتابشان را ارائه نمایند و به مرور پیش‌بینی فروش نسخه فیزیکی نیز خواهیم داشت که اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

همچنین براساس اعلام مدیران توزیع این نشر، کتاب محسن چاوشی از هفته اول بهمن ماه برای افرادی که در پیش‌فروش اینترنتی این کتاب شرکت کرده و «این عشق هیولایی» را خریداری نموده‌اند، ارسال خواهد شد.

♦ چرا تمرکزتان روی مسائل زبانی اینقدر پررنگ شد؟

من فکر می‌کنم زبان ادبی ما تبدیل به زبان ترجمه‌ای شده، یعنی تبدیل به زبان خیلی تقلبی شده است. من با این رمان و کارهای زبانی حاضر در آن خواستم با اتکا به پیشینه فرهنگی و تاریخی‌مان، یک غنای‌زبانی در رمان درست کنم و نشان بدهم. طی سال‌های دراز هم خوشبختانه با متن‌های خیلی عرفانی، تاریخی و ادبی هم‌نشین بودم و آن‌ها را با عشق می‌خواندم. بعدها این مطالعات در کار من هم نمود زیادی داشتند و به کار آمدند. ضمناً من پژوهشگر فرهنگ شفاهی هستم و همه آن مطالعات، سفرها، صحبت کردن با مردم و ضبط تاریخ شفاهی مردمان کشورمان در نقاط مختلف، به من در کار نوشتن این رمان خیلی کمک کرده است. مجموع این علایق و مطالعات و دمخوروبودن با فرهنگ غنی اقوام مختلف ایران، در رمان «اوراد نیمروز» تبلور یافته است.

♦ اشاره کردید استفاده از چند زبان در این کتاب مورد علاقه شما بوده و البته سختی‌های خودش را داشته است. درباره حضور این زبان‌ها در رمان بیشتر توضیح می‌دهید؟

ما با یک تنوع و در واقع منشور زبانی و لحنی در «اوراد نیمروز» روبه‌رو هستیم از آرکائیک تا آرگو. از زبان ادبی خراسان قدیم مثل تاریخ‌بیهقی یا تاریخ سیستان گرفته تا بافت و ساخت زبان متن‌های بین‌النهرینی مثل گیل‌گمش، همین‌طور تا آرگوی تهرانی و حتی زبان اشاره در جایی که بهمن با مرد بدوی در کویر حرف می‌زند یا زبان شایبان و خانواده‌اش در واحه ملک محمد. زبانی که به گفته میرخلیل، ۴۰۰-۳۰۰ کلمه بیشتر ندارد. در قیاس با زبان امروزین بهمن فقیر و عقیم است. در جاهایی که به بهمن از آن دمنوش کیف‌آور می‌دهند، همه این زبان‌ها به نوعی باهم ه‌یافت می‌شوند. سعی شده نثر و زبان اصلی اثر هویت و تشخیصی داشته باشد و همین است که می‌بینید این همه ترکیب ساخته شده است، در حوزه لحن آدم‌های رمان هم همین‌طور. مثلاً لحن راننده کامیون را در نظر بگیرید با شیوه گفتار میرخلیل، یا لحن پریسا، لحن و لسان آن تالشی در اسالم، لحن آن مرد افغان اهل بلخ... درآوردن این تنوع لحنی و زبانی در «اوراد نیمروز» نفس من را گرفت، اما از نتیجه آن راضی هستم. شاید بتوان گفت که از میان آثارم «اوراد نیمروز» با بیش از همه دوست دارم.

♦ توجه شما به کویر از کجا نشأت گرفته است؟

بخش مهمی از سرزمین ما کویر است. ما کشوری هستیم که عمده سرزمین ما بیابانی، کویری و دشت است. با این همه، خیلی کم درباره این پدیده سرزمینی رمان و داستان داریم. این برای من خیلی مهم بود که بتوانم یک رمان کویری بنویسم و در نهایت رمانم رنگ و بوی ایرانی داشته باشد.

داستانی جنایی در «مردی از شب»



رمان «مردی از شب» نوشته ریچل کین به تازگی با ترجمه مریم ربیعی توسط نشر آموت منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب دنباله رمان دیگر همین نویسنده با عنوان «دریاچه مه‌آلود» بوده که سال ۹۸ با ترجمه همین مترجم و توسط همین ناشر چاپ شده است.

ریچل کین، نویسنده آمریکایی داستان‌های جنایی متولد سال ۱۹۶۲ بود که نوامبر سال ۲۰۲۰ درگذشت. «دریاچه مه‌آلود» او سال

۲۰۱۷ و «مردی از شب» با عنوان اصلی «رودخانه کلیمان» هم همان سال به چاپ رسید. در «دریاچه مه‌آلود» ماجرا از کشف یک قتل در خانه خانواده‌ای معمولی آغاز شد و گوئن پراکتور، زنی خانه‌دار طی یک تصادف متوجه شد همسرش ملوین رویال در یک زندگی مخفیانه میدل به قاتلی سریالی شده است؛ بنابراین گوئن ناچار است بار دیگر خانواده و وجهه شخصیتی خود را بسازد و کنار یک دریاچه به نام استیله‌اوس، زندگی جدیدی را شروع می‌کند، اما شاهد اتفاقات ناخوشایندی می‌شود که جان او و خانواده‌اش را به خطر می‌اندازد.

«دریاچه مه‌آلود» یک رمان سه‌جلدی است که ترجمه جلد اولش سال ۹۸ چاپ شد و «مردی از شب» جلد دوم آن است. در جلد دوم دچار کابوس‌هایی است که ناشی از اتفاقات جلد اول داستان هستند. او در نبرد برای نجات فرزندانش از دست شوهر سابقش و همدستان دیوانه‌اش، پیروز شد، اما ظاهراً جنگ هنوز تمام نشده، چون ملوین از زندان فرار کرده و گوئن هم پیامکی ترسناک دریافت کرده است، پس دیگر هیچ‌جا برای او امن نیست.

گوئن در ادامه داستان، متوجه می‌شود پناهگاهش در کنار دریاچه، تبدیل به یک دام و تله شده است؛ بنابراین فرزندانش را به همسایه‌ای قابل اعتماد می‌سپارد و تصمیم می‌گیرد به کمک سم‌کید دست به شکار بزند؛ کاری که از یکی از بیمارترین قاتلان دنیا یاد گرفته است، اما جبهه مقابل، بسیار قوی است.

این کتاب با قیمت ۶۶هزار تومان منتشر شده است.

تازه‌های نشر

آخرین اثر «محمدرضا بایرامی» در بازار کتاب



جدیدترین کتاب محمدرضا بایرامی با عنوان «زائران کوهستان مه‌آلود» توسط نشر نیستان منتشر شد. بایرامی در «زائران کوهستان مه‌آلود» بار دیگر به سنت مورد علاقه خود که استفاده از عناصر ادبی فولکلور در داستان‌نویسی برای نوجوانان است بازگشته و از جغرافیا و زیست‌بوم روستایی ایران استفاده‌ای ناب و بکر برای خلق موقعیت‌های داستانی داشته است.

بایرامی پیش از این در گفت‌وگویی درباره نوشتن این اثر گفته بود: اواخر دهه ۷۰ یا اوایل دهه ۸۰ با چند تن از دوستان، به قصد سفری زیارتی به سوی طالقان رفتیم. قرارمان این بود که تا شب خودمان را به بالای پناهگاه برسانیم و تا ظهر روز بعد به روستایی که امانزاده‌ای داشت و در آن تفریه به مناسبت ۲۸ صفر برگزار می‌شد برویم، اما روز دوم در پرتگاهی گیر افتادیم و کمی هم سقوط کردیم و زمان را هم از دست دادیم. شب بعد و موقع بازگشت هم فهمیدیم که راهنمای محلی‌مان، راه را گم کرده است. بهتر از این نمی‌شد! این جور بود که در کوه‌ها سرگردان شدیم، خسته و گرسنه و زخمی... . سال‌ها بعد با رضا امیرخانی و جمعی از دوستان نویسنده به سفر بسیار سختی رفتیم در مناطق سخت‌گذر زیلاوی و سیلاب کولیوار و... هدفمان رساندن کتاب به روستاهای دوردست بود... . یکی از روزها در مرز چهارمحال و بختیاری با کهگیلویه و بویراحمد، از کوه خشن و بکری بالا رفتیم که ناگهان در آن خلوت محض که گویی پیش از ما پای هیچ بشری به آن نرسیده بود، ستون‌هایی دیدیم همه‌سنگی و استوار، درست در خط رأس و جایی مسلط به اطراف، از راهنمایان محلی پرسیدیم این‌ها چه هستند، آن‌ها جایی را نشان دادند در دوردست که دلیل به وجود آمدن ستون‌ها بود و این دو دستمایه‌ای شد برای نگارش این رمان .

این اثر با قیمت ۳۹هزارتومان منتشر شده است.